

کارکردهای محتوای آموزشی و پرورشی

و حوزه‌های یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی

دکتر میترا دانشور

محتوای برنامه‌ی درسی و تربیتی در میان عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. از طریق محتواسـت که نظام آموزش و پرورش به‌طور مستقیم با هویت دانش‌آموزان مرتبط می‌شود و آثار مورد نظر را در نگرش، دانش، رفتار، انگیزه‌ها و شخصیت آنان بر جای می‌گذارد. وقتی صحبت از محتوا به میان می‌آید قبل از هر چیز باید به اهدافی که محتوا برای دست‌یابی به آن‌ها تولید می‌شود فکر کرد. دلیل وجودی هر دستگاه آموزشی، تحقق بخشیدن به هدف‌های آن نظام است. اهداف برنامه‌ی درسی را می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی کرد:

۱. هدف‌های مشترک؛

۲. هدف‌های خاص برنامه‌های درسی.

هدف‌های مشترک و یادگیری‌های مشترک مانند کسب اعتمادبه‌نفس، مهارت‌های برقراری ارتباط و ... آن دسته از یادگیری‌هایی هستند که همه‌ی خروجی‌های آموزش و پرورش باید به‌گونه‌ای به آن‌ها دست یابند. هدف‌های خاص به موضوع برنامه‌ی درسی خاص مربوط می‌شوند و وجه‌تمایز قلمرو آن برنامه با سایر برنامه‌های درسی هستند، مانند آموزش یک زبان خارجی. اهداف و یادگیری‌های مشترک را نیز می‌توان به روش‌های متفاوت طبقه‌بندی کرد. یادگیری‌های مشترک در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری آن به شرح جدول زیرند:

یادگیری‌های مشترک در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

عناصر	صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
تعقل	تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسشگری، کاوشگری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت براساس نظام معیار، تأمل در خود، خودارزش‌یابی براساس نظام معیار
ایمان	نگرش توحیدی، کرامت و قدرت اراده و انتخاب انسان، ارزشمندی تفکر و تعقل، ارزشمندی مخلوقات، هدفمندی خلقت، ارزشمندی علم و علم‌جویی، ارزشمندی نهاد خانواده، وطن‌دوستی
علم	کشف جهان به‌عنوان فعل خداوند، خودآگاهی، فرهنگ و هویت
عمل	یادگیری مستمر، خودمدیریتی، انجام واجبات و ترک محرمات، مشارکت، هم‌پاری، مهارت کار با دیگران، مهارت‌های ارتباطی، مهارت رهبری، مطالعه و پژوهش، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید محصول، کارآفرین و مقتصد بودن، سالم و با نشاط بودن، با اراده و امیدوار بودن
اخلاق	حفظ و بالایش انگیزه‌ها (نیت)، خودپایی و خودپالایی، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای، پشتکار، نظم و قانون‌مداری، صدق، صبر، عدالت‌خواهی و صلح‌جویی، حقیقت‌جویی، حق‌طلبی، حسن خلق، احسان و رافت، قناعت، استقامت، پاک‌دامنی و حیا، جمع‌گرایی، منتظر بودن و جهانی‌اندیشی، ظلم‌ستیزی، جهادگری، شجاعت، ایثارگری، عزت‌نفس، انتخابگری و آزادمنشی



حوزه‌ی یادگیری چیست؟

با ظهور سطحی از برنامه‌ریزی به نام برنامه‌ی درسی ملی، مفاهیم جدیدی وارد ادبیات رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی شد که مفهوم حوزه‌ی یادگیری یکی از آن مفاهیم است. جست‌وجو در این مورد نشان می‌دهد که در حال حاضر بسیاری از افراد این مفهوم و مفهوم حوزه‌ی محتوایی را معادل یکدیگر در نظر می‌گیرند، اما برای هیچ‌یک در دایرة‌المعارف‌های برنامه‌ی درسی تعریفی ارائه نشده است. برخی حوزه‌ی یادگیری را گستره‌ی دانش و ادراکاتی می‌دانند که همه‌ی دانش‌آموزان نیاز به کسب آن دارند.

برخی از صاحب‌نظران، حوزه‌های یادگیری را قلمروهای علمی با محتوا و روش‌ها و فرایندهای متمایز می‌دانند که از مجموعه‌ای (خوشه‌ای) از دروس تشکیل شده‌اند. برای مثال، حوزه‌ی یادگیری ریاضیات از موضوعات درسی مانند حساب، آمار، هندسه و...، حوزه‌ی یادگیری علوم تجربی از موضوعات درسی مانند زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی و... تشکیل شده است.

حوزه‌ی یادگیری ریاضیات

حوزه‌ی یادگیری ریاضیات و حوزه‌ی یادگیری مطالعات اجتماعی نیز موضوعاتی دارند.

در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های یادگیری بدین‌گونه تعریف شده‌اند:

حوزه‌های یادگیری بستر اصلی در تسهیل فرایند تعلیم و تربیت، برای دستیابی به اهداف برنامه‌ی درسی ملی هستند. هر یک از حوزه‌های یادگیری گستره و محدوده‌ی دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با یادگیری فراگیرندگان آمادگی تا پایان

دوره‌ی متوسطه را توصیف می‌کنند. این حوزه‌ها حدود محتوایی و روش‌ها و فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند.

حوزه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیرند:

۱. معارف اسلامی و حکمت؛
 ۲. قرآن و زبان قرآنی؛
 ۳. زبان و ادبیات فارسی؛
 ۴. فرهنگ و هنر؛
 ۵. کار و فناوری؛
 ۶. سلامت و تربیت‌بدنی؛
 ۷. علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛
 ۸. ریاضیات؛
 ۹. علوم تجربی؛
 ۱۰. زبان‌های خارجی؛
 ۱۱. آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده.
- ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین تعداد و عناوین حوزه‌های یادگیری و حتی چگونگی توصیف منطق و ضرورت آن‌ها دخالت دارند. این ملاحظات متأثر از شرایط هر کشور و نیز فلسفه، رویکردها و اهداف نظام آموزشی آن است. برای مثال ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی ملی ایران، ارتباط با عناصر و عرصه‌های الگوی هدف‌گذاری و اهداف کلی برنامه‌ی درسی ملی، هم‌خوانی

با اسناد بالادستی، هماهنگی با اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوا به‌ویژه اصل اولویت یادگیری‌های مشترک، اصل سودمندی (توجه به نیازها) و تأثیرپذیری از ساختار دانش، تجارب بین‌المللی و توافق کارشناسی بوده است. اما این پرسش مطرح است که با این تغییرات در اهداف و محتوا، چه چشم‌اندازی برای آینده‌ی نظام برنامه‌ریزی درسی کشور می‌توان متصور شد؟ برنامه‌ی درسی ملی خود به این سؤال پاسخ داده است. در چشم‌انداز برنامه‌ی درسی ملی آمده است: با اتکال بر پروردگار متعال و پیروی از مربی بزرگ بشریت، پیامبر اعظم (ص) و دو یادگار بزرگ او - قرآن کریم و خاندان پاک پیامبر (ص) - در پرتو عزم و پشتیبانی ملی و کوشش و همکاری همه‌جانبه‌ی فرهنگیان، خانواده‌ها و متریبان، برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بر مبنای برنامه‌ی درسی ملی، برنامه‌هایی به شرح زیر خواهد بود:

- مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) و یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی؛
 - منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر؛
 - ناظر به ویژگی‌ها و نیازهای همه‌جانبه‌ی متریبان و نیازهای اساسی جامعه؛
 - بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزار و شیوه‌های علمی و مؤثر آموزشی و پرورشی؛
 - با رویکردی نوآورانه، آینده‌نگرانه، واقع‌بینانه متناسب با فطرت الهی انسان و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛
 - زمینه‌ساز ارتقای کیفیت مدرسه به مثابه‌ی کانون اصلی تربیت در آموزش و پرورش برای تحقق «مدرسه‌ی زندگی»؛
 - در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی و تحقق جامعه‌ی عدل مهدوی (عج)؛
- که در الگویی پیشرفته و بومی، زمینه‌ی تربیت نسلی متفکر، عاقل و خلاق، مؤمن و خودباور، دانا و بصیر، متخلق و خودساخته، تلاشگر و سالم، خودیادگیرنده، مفتخر به ایرانی بودن، توانا در تولید علم و فناوری و وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را فراهم می‌سازد.

انتظار از تغییرات محتوا با توجه به چشم‌انداز اهداف برنامه‌ی درسی

تغییر اساسی باید در دیدگاه برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان اتفاق افتد، یعنی از دیدگاه برنامه‌ریزی موضوع‌محور فاصله بگیرند و دیدگاهی داشته باشند که با آن بتوانند اهداف کلی برنامه‌ی درسی ملی را محقق سازند. وقتی هدف تربیت افرادی متفکر، با ایمان، اهل علم، عمل و اخلاق در چهار عرصه‌ی ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت باشد، برنامه‌ریزان در تعیین اهداف آموزشی و مؤلفان در تدوین محتوا باید اهداف کلی‌تر حوزه‌ی یادگیری را مدنظر قرار

دهند و از پرداختن بیش از حد به مفاهیم یا انباشت مفاهیم در کتاب درسی پرهیز کنند. هم‌چنین اهداف مشترکی وجود دارند که مرز میان حوزه‌های یادگیری را از بین می‌برند و میان آن‌ها پیوند ایجاد می‌کنند. از این رو تعدادی از اهداف پیوسته در تمام دروس و پایه‌ها به کمک اهداف، محتوا و روش‌های آموزش و ارزش‌یابی پی‌گیری خواهند شد.

از سوی دیگر، کتاب درسی توان صددرصدی حمل چنین اهدافی را ندارد. لذا ماده‌ی آموزشی باید به بسته‌ی آموزشی تغییر یابد، یعنی رسانه‌های گوناگون در کنار یک‌دیگر به دست‌یابی به اهداف کمک کنند.

انتظاری که از برنامه‌ریزان و مؤلفان می‌رود مطمئناً بر حوزه‌ی اجرا نیز اثر می‌گذارد و نقش معلمان، اولیا و دانش‌آموزان را تغییر خواهد داد. اولین نمود چنین تغییری فاصله گرفتن از فرایند یاددهی و یادگیری حافظه‌محور است. کاهش برنامه‌ی درسی به تعدادی سؤال که دانش‌آموزان آن‌ها را حفظ می‌کنند، امتحان می‌دهند، نمره‌ی خوب یا بد می‌گیرند و بالاخره قبول یا رد می‌شوند، حتی در دیدگاه برنامه‌ریزی موضوع‌محور هم جایز نیست. به وضوح باید گفت فرایند یادگیری به‌گونه‌ای خواهد بود که دانش‌آموزان در آن نقش فعال دارند، آن‌ها در مورد موضوعات و مفاهیم فکر و پرسشگری می‌کنند، هر موضوعی را همه‌جانبه بررسی می‌کنند، حل مسئله می‌کنند، انتقاد می‌کنند، خلق می‌کنند، عمل می‌کنند و از این طریق جهان را به مثابه فعل خداوند کشف می‌کنند. با چنین تغییراتی آموزگار انتقال‌دهنده‌ی صرف دانش نخواهد بود. او الگو و اسوه‌ی اخلاقی، معنوی و علمی فراگیرنده، راهنما و راهبر یادگیری، زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی فراگیرندگان، انتخابگر و طراح فعالیت‌های یادگیری متناسب با نیازها و شرایط یادگیری، پژوهشگر آموزشی و پرورشی، آفریننده‌ی راهبردهای نوین یاددهی و یادگیری خواهد بود. اولیا نیز نقش خود را متناسب با نقش دانش‌آموز بازتعریف می‌کنند.

این تغییرات بر نظام ارزش‌یابی نیز اثرگذار خواهند بود. نظام ارزش‌یابی بر خودارزیابی تأکید دارد و ارزیابی بیرونی را زمینه‌ساز خودارزیابی می‌داند و در ارزش‌یابی بر تحقق سطوح و مراتب مورد نظر در مورد تربیت انسان متفکر، مؤمن، عالم، عامل و متخلق به اخلاق حسنه از طریق دست‌یابی به دانش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و عملکردهای مربوط به خود، خدا، خلق و نظام خلقت تأکید دارد. لذا انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی و پرورشی برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری باید فرصت کسب تجربیات جدیدی فراهم سازد که موقعیت فراگیرنده را نسبت به موقعیت قبلی بهبود و توسعه می‌بخشد. تجربیات تدارک دیده شده باید در عرصه‌ی علم، عمل و اخلاق به‌صورت منسجم و به‌هم‌پیوسته ارائه شوند تا زمینه‌ی کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت



محتوا باید در سایه‌ی مبانی و استفاده از منابع معتبر، فراگیرندگان را در کسب دانش اصیل و به‌روزرسانی دانش خود کمک کند.

در چنین صورتی، محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی از سه بخش اساسی و درهم‌تنیده‌ی زیر تشکیل می‌شود:

۱. یادگیری‌های مشترک؛
 ۲. مفاهیم، اصطلاحات، حقایق، نظریات، مهارت‌ها، روش‌ها و فرایندهای خاص یک حوزه‌ی یادگیری و موضوع درسی؛
 ۳. مفاهیم، اصطلاحات، حقایق، نظریات، مهارت‌ها، روش‌ها و فرایندهای میان‌رشته‌ای که در دو یا چند حوزه‌ی یادگیری و موضوع درسی قابل طرح‌اند.
- از این رو، حوزه‌های یادگیری علاوه بر پوشش‌دهی به یادگیری‌های مشترک و خاص در کارکرد اولیه‌ی خود، از طریق ارتباط افقی با برخی از حوزه‌ها به تقویت، تعمیق و یک‌پارچگی یادگیری کمک می‌کنند. در انتخاب هر سه بخش محتوا، وظایف رشد و مسئولیت‌متریبان در امر تربیت مورد تأکید است*.

نقش شما در این تغییرات چیست؟ و تا چه حد می‌توانید به تحقق این چشم‌انداز کمک کنید؟

مبنایی یعنی تفکر، تعقل و ایمان را فراهم کنند. انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به‌گونه‌ای باشد که فراگیرندگان را برای ارتباط‌های چهارگانه با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا و حتی‌الامکان در اشکال مختلف تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم، کار و عمل و تلاش و اخلاق به‌صورت یک‌پارچه رشد دهد.

از آنجا که ظرفیت وجودی فراگیرندگان با یک‌دیگر متفاوت است و هر یک در فرایند کسب و توسعه‌ی ظرفیت‌های وجودی به شیوه‌ای متفاوت (سبک‌های یادگیری و شناختی و...) عمل می‌کنند، از این رو در انتخاب و سازمان‌دهی محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی، باید فرصت‌های متنوعی برای فراگیرندگان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت در جهت به‌کارگیری راهبردهای آموزش و ارزش‌یابی و منابع متعدد و متنوع یادگیری (مواد و رسانه‌های آموزشی، فضا و اشخاص) فراهم شوند.

در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید ایده‌های کلیدی و فرایندهای اساسی هر حوزه را مورد توجه قرار داد. درجه‌ی اهمیت مفاهیم، اصول و تعمیم‌های اساسی، نظریه‌ها، فرایندها و مهارت‌ها و ارزش‌ها و نسبت و وزنی که به آن‌ها داده می‌شود باید به اندازه‌ی نقشی باشد که در رسیدن به اهداف کلی برنامه‌ی درسی برعهده دارند. در انتخاب و سازمان‌دهی ایده‌ها و فرایندهای هر حوزه، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای بازکشف و کشف علوم و فناوری برای فراگیران ضروری است.

* برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، نگاشت پنجم، ۱۳۹۰.